



## اثرات تربیتی محیط رفاقت در نوجوانان و جوانان

هادی بهمنی

قسمت اول

سرنوشت هر کس با دوست او پیوند خورده و تغییر پذیر است. به عبارت دیگر بعد از تعلیم و تربیت اولیه سرنوشت انسان به دست دوستان و معاشرانش تغییر خواهد یافت و بسیار شبیه این است که بگوییم بعد از بلوغ سرنوشت اولاد از اختیار اولیا خارج شده و در اختیار دوستان او قرار می گیرد. پس وجود دوست در نوجوب سرنوشت انسان بسیار مهم است، به ویژه جوانان که گلهای جوانیشان در حال شکفتگی است و به برکت انقلاب اسلامی زمانه برویشانی خندان است. آینده درخشان جوانان در گرو حسن انتخاب دوست است، زیرا دقت و توجه در انتخاب دوست سهم بزرگی در تکوین شخصیت آنان دارد. رسول خدا (ص) می فرماید: «وَالْقُرَّةُ

آوردند. لذا بر دست اندرکاران تعلیم و تربیت لازم است که با شناختن مشکلات خاص این دوران، زمینه های لازم را جهت آشنانمودن جوانان با دوستان خوب و با فضیلت فراهم آورند و شخصیت آنان را تقویت کنند و استعدادهاشان را بارور و شکوفا نمایند.

### اهمیت وجود دوست در زندگی

یکی از نیازهای انسان در دوران زندگی احتیاج به رفاقت و دوستی دیگران است که این احساس نیاز به دنبال خود، دارای اثرات تربیتی است. به خصوص در دوران نوجوانی که به لحاظ موقعیت خاص خود از اهمیت به سزایی برخوردار است. شاید بتوان گفت

در هر نظامی پرداختن به مسایل جوانان آن کشور حائز اهمیت خاصی است. در نظام شکوهمند اسلامی ایران نیز این امر جایگاه ویژه ای دارد. از آنجا که یکی از عوامل مؤثر در تربیت این نسل های نو شکفته (جوانان) محیط رفاقت و دوستی است، بی شک یکی از اساسی ترین مشکلات این فشر جامعه انتخاب دوست و معاشرت با دوستان صالح است. جوانان از یک طرف به سبب کشش طبیعی و خواهش دل، عاشق دوستی و رفاقتند و از طرف دیگر بر اثر احساسات تند و نسنجیده و عدم توجه به جهات عقل ممکن است با دوستیهای افراطی در کمین بدخواهان و عناصر ناصالح قرار گرفته و عواقب جبران ناپذیری به دنبال

علی دین خلیفه وقرینه»<sup>۱</sup> (انسان هم کیش دوست ورفیق خویش است) یعنی: «خار جون با گل نشیند، بوی گل گیرد». وبه عبارتی:

خارم ولی گلاب زمن می نوان گرفت  
ازس که بوی همد می گل گرفته ام  
علمای تعلیم و تربیت عوامل زیادی را در تربیت فرد مؤثر می دانند (عواملی چون: محیط، وراثت، اراده و غیره). منظور از محیط، هر امری است که انسان را احاطه کرده است. محیط تمام عوامل خارجی است که از آغاز رشد (با تشکیل نطفه) تا پایان مراحل رشد در فرد اثر می گذارد. معمولاً در تقسیم بندی محیط آن را به دو نوع محیط انسانی و محیط فیر انسانی تقسیم می کنند. منظور ما در این بحث محیط انسانی است و آن کلیه افرادی هستند که متربی را اعم از پدر - مادر - معلم دوستان و غیره احاطه کرده اند. گرچه هر کدام از این عوامل جای بحث مفصلی دارند ولی در اینجا به جهت اهمیت موضوع محیط رفاقت، به بررسی این عامل می پردازیم:

همه انسانها از داشتن دوست خوب و یکدل، احساس سرت و شادمانی می کنند و از تنهایی رنج می برند و از نداشتن دوست مناسب و صمیمی آزرده خاطر و متأثر می شوند. اثر تربیتی این نیاز نیز مشخص است. هر دوستی در امور مادی و معنوی رفیق خود نفوذ می کند و هر یک دانسته یا ندانسته روی عقاید و افکار و رفتار دیگری اثر می گذارد. اولیای گرامی اسلام پیروان خود را به انتخاب دوست عاقل و با ایمان تشویق نموده و فرموده وجود دوستان خوب را خاطر نشان کرده اند. حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: «أشعد الناس من خالط کیرام ألتاس»<sup>۲</sup> (سعادتمندترین مردم کسی است که با مردمی بزرگواری معاشرت داشته باشد) اولیای گرامی اسلام با سخنان حکیمانه خود خطر رفاقتهای مضر و گمراه کننده را خاطر نشان کرده و پیروان خویش را

از مجالست با افراد فاسد و نهبکار بر حذر داشته اند. علی (ع) در نامه خود به «حارث همدانی» توصیه کرده است «از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است بر حذر باش».

### دوستی و رفاقت جوان

گرچه رفیق شفیق و شایسته برای کلیه طبقات مردم در تمام ادوار زندگی ارزشمند و مهم است ولی برای نسل جوان اهمیت بیشتری دارد. زیرا جوانان که در آستانه زندگی اجتماعی قرار گرفته اند می توانند به وسیله رفیق خوب و با فضیلت، شخصیت خود را تقویت کنند و استعداد های اجتماعی خویش را به فضیلت در آورند و خود را برای فعالیتهای اجتماعی فردا مهیا نمایند. در دوران نوجوانی، فرد نوجوان به لحاظ ویژگیهای خاص این دوران از وابستگی های خانوادگی و کودکی دست می کشد و با محیط اجتماعی خود فعالانه برخورد می کند. نوجوان می خواهد از سیطره خانواده آزاد شود و احساس استقلال کند. او می خواهد از زیر بار فشار خانوادگی و اجتماعی فرار کند و به محیطی که نیازها و آرزوهای نوجوانی در آن بهتر مورد توجه واقع می شوند، پناه ببرد لذا در این دوران اهمیت انتخاب دوست و همسال روشن می شود. نوجوان با گروه دوستان و اعضای آن به همانند سازی می پردازد. تأثیر پذیری آن چنان وسیع می شود که نوجوان را نسبت به کانون خانواده بیگانه می کند. گروه و همسالان برای نوجوان تکیه گاه می شود (برای همدردی، حمایت و...) نوجوانان پسر بنا بر مقتضای روانی خود دوست دارند حمایت کننده باشند و از کوچکتران خود حمایت کنند و لذا برای ارضاء این نیاز، خود را در گروه دوستان جای می دهند و نشئه این هستند که به آنان مسئولیتی واگذار شود تا این نیاز (حمایت کردن) به طور طبیعی ارضاء شود.

نوجوانان دختر نیز بر حسب نیاز روانی

خود دوست دارند مورد حمایت و همدردی قرار بگیرند و نشئه این هستند که در گروه قرار گیرند تا از ناحیه دوستان هم گروه حمایت شوند. و این نیاز طبیعی خود ارضاء نمایند.

در دوران نوجوانی، نوجوان حتی به با دوست هم قانع نمی شود بلکه می خواهد صورت دسته ای با همسالان خود ارتب داشته باشد چون دسته و گروه به فرد جویت جدیدی می دهد یعنی به او امکان «ما بودن» را می دهد. قبل از این دوران (دوران کودکی) برای او «ما» چند معنایی نداشت. او بیشتر به من می اندیشد (دو چرخه من، توپ من، عروسک من و...) ولی در این دوران او با فراتر می نهد. دیگر به توپ من نمی اندیشد بلکه بیشتر جمع، گروه «ما» می اندیشد (تیم ما - انجمن ما - بازی ما و...) لذا بر معلمان و همریان لازم است که این نیازها را بشناسند و اولیای تربیتی باید بدانند که در این دوران نوجوانان می خواهند نیازهای عاطفی روانی خود را در محیطهای انسانی اجتماعی گسترده تری جستجو نمایند. آنان می خواهند روابط خانوادگی خود را رده کرده و ارتباط خود را با اجتماع زیاد کنند در این دوران نوجوان دیگر مانند گذشته نمی تواند مدت زیادی در محیط خانه به سر برد. (خصوصاً پسران). اینجاست که نوجوان از خانه به سوی دوستان کشیده می شود بدون اینکه بداند دوستش به چه می اندیشد و چه نتیجه ای برای او خواهد داشت. نوجوان از روی سادگی و صداقت با دوستان اظهار همدردی و همرنگی می کند و بدون اطلاع از کیفیت دوستی آنان کم کم تحت تأثیر عقاید و افکار آنان که ظاهراً رفقای او هستند، قرار می گیرد. در این سالها احساس و فکر او کاملاً منوط به گروه است. نوجوان با یک طرف به کشش طبیعی خواهد دل، عاشق دوستی و رفاقت است



میتن نقش مربی و معلم در میان دانش آموزان است.

### نقش الگویی دوست

ناگفته پیداست که دوستان آگاهانه و یا ناآگاهانه بر رفتار یکدیگر اثر می گذارند. انتخاب افرادی حائز صفات کما که به عنوان الگو در تربیت، تهذیب و تکامل اخلاقی انسان لازم است زیرا کسب صفات اخلاقی اسلامی و انسانی در سایه پیروی و اطاعت از عاملان به رفتار اسلامی و متخلفان به اخلاق الهی است معمولاً دوستان صمیمی الگوی رفتار و کردار نوجوانان و جوانان هستند. جوانان فسمنی از رفتار روزمره - حرکات - طریقه صحبت کردن - اطوار و غیره را از دوستان خود می آموزند و از راه و رسم آنان متأثر می شوند. چه بسا رفتارهایی که جوانان از دوستانشان یاد می گیرند و به واسطه این یادگیری عمری گرفتار می شوند (مانند معتاد شدن به سیگار که معمولاً افراد از دوستان

نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در او بکارند قبول می کند) امام صادق (ع) می فرماید: «احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید پیش از آن که مخالفین گمراه بر شما پیش گیرند و سخنان نادرست خود را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند». نوجوانان به جهت بی خبری از وظایف و تکالیف این دوران و پس از آن به لحاظ شرعی و اجتماعی و اخلاقی با مشکلاتی مواجه می شوند و نیاز دارند که راه حل این مشکل خود را به طور صحیح و اصولی پیدا کنند. لذا برای آنان سوالات زیادی مطرح می شود که اگر والدین و مربیان این نیاز را برطرف نکنند ممکن است آنان به افراد ناصالح رجوع نمایند که خود مقدمه انحرافات مضرو نامشروع می شود. در این مورد تحقیق به عمل آمده در منطقه زرقان حاکی است که ۴۳/۲ درصد از دانش آموزان سوآلهای شرعی خود را از مربیان و معلمان می پرسند و این موضوع

میل دارد یا یک با چند نفر از همسالان خود رفیق صمیمی شود و عمیق ترین احساسات دوستانه را با وی برقرار سازد و از طرف دیگر بر اثر احساسات تند و نسنجیده و عدم توجه به جهات عقل و مصلحت ممکن است عناصر ناصالح و تبهکاری را به دوستی برگزیند و بر اثر رفاقت شوم و خطرناک آنان موجهیات نیره روزی و بدبختی خویش را فراهم آورد. لذا باید به مربیان و معلمان نوجوانان گفت: نوجوانان در زمینه دوستی و رفاقت نیازمند راهنمایی صحیح هستند. آنان نیاز دارند راهنمایی و مشاوره صحیح بشوند. روش انتخاب دوستان خوب را بدانند. آثار زیانبار دوستان ناصالح را بشوند لذا اسلام به پیروان خود دستور می دهد که هیچ سؤال نوجوانی را بدون پاسخ نگذارند چون قلب نوجوان وقیق است و آمادگی پذیرش هر چیزی را دارد. حضرت علی (ع) می فرماید: «قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (قلب

خود می آموزند). به خصوص در دوران نوجوانی که نوجوان به علت بحران مخصوص این دوران از کانون خانواده جدا شده و به جمع دوستان می پیوندد و از جمع آنان تأثیر می پذیرد. روان شناسان یکی از ویژگیهای دوران نوجوانی را دوره گروه گرایی نوجوانان می دانند. نوجوان در این دوره می خواهد از سیطره خانواده آزاد شود و برای ارضای نیازهای طبیعی خود به جمع دوستان بپیوندد. بدین جهت معاشرت دوستان نقشی فوق العاده در اصلاح یا ویرانی بنای اخلاقی جوانان دارد. براساس تحقیقات به عمل آمده قریب ۳۵ درصد جوانان اخلاقی و رفتار خود را از طریق معاشرت می گیرند و این تأثیرگیری و الهام پذیری تنها مربوط به رفتار ظاهرشان نیست بلکه از روح و روان یکدیگر الگو می گیرند. غالب اینجاست که نوجوان به دلیل برهم خوردن از قلب پاک و صفا و صداقت باطنی زود فریب می خورد. چه بسا زیند جوانانی که قربانی خطاهای دوستان خود هستند از آن بابت که از رفتارهای دوستان خود الگوی انحراف گرفته اند.

توجه به اعمال گروههای فاسد در منحرف کردن جوانان از طریق تشکیل گروههای نسی و غیره گواه این ادعاست. نوجوان می گوشتد گروه همتایان، او را پذیرند و نقشهایی بر عهده او واگذار کنند. او گرچه به ناپید و حمایت بزرگسالان نیاز فراوان دارد، اما وقت خود را بیشتر با دوستان و همتایان به سر می برد و اندیشه ها و ضوابط آنان را بر معیارهای پدر و مادر و بزرگسالان دیگر ترجیح می دهد. نوجوانان علاقه دارند خود را از نظر لباس، زبان، بیان و رفتار و کردار، با ارزشهای گروههای همتا هم رنگ و همنوا کنند. در میان آنان معمولاً نوعی قانون ناگفته و نانوشته ای به چشم می خورد که بیانگر کارها و چیزهای خوب و بد، زشته و زیبا و پذیرفتنی و ناپذیرفتنی است. این قانونها به طور کلی مؤید رفتارهای گروهی هستند و غالباً با قانونهای

بزرگسالان تعارض پیدا می کنند. نوجوانان تلاش می کنند به هر صورت ممکن خود را از قید بزرگسالان رهایی بخشند. آنان چاره ای ندارند جز آن که اختلافهای شدید خود را به نوعی با بزرگسالان حل کنند تا مورد تائید هر دو دسته یعنی بزرگسالان و گروه دوستان قرار گیرند. البته پدر و مادر آگاه از هر گونه درگیری و کشمکش میان معیارهای بزرگسالان و اصول گروه دوستان دوری می جویند. معمولاً در دوران نوجوانی، با به رفتنها و دوستیهای نوجوانان گذاشته می شود. آنان بیش از پیش به گروه دوستان گرایش پیدا می کنند و به معیارهای رفتار و کردار پدر و مادران بی اعتنا می شوند و گاهی هم در مقام مخالفت بر می آیند و یا با هر نوع قدرتی ستیزه جویی می کنند.

همین شیوه های رفتاری غالباً موجب ناراحتیها و فشارهای روانی و ناکامی نوجوانان می شود و در موارد خاصی آنان را به بزهکاری وادار می کند. پس اتفاق می افتد که نوجوانان دوستانشان را از میان فرزندان دوستان والدینشان انتخاب می کنند. تحقیقات به عمل آمده نشان داده است که سه عامل همکلاسی، هم محله ای و همسالی در بررسی عدل دوستی نقش اساسی دارند. یعنی اگر جوانانی که

همکلاس، هم محله ای و همسال هستند یکدیگر دوست شدند، دوستی آنان باید است و معمولاً اکثر دوستیهای جوانان چند است.

بدون شک هر اندازه دوستان بتوانند توجه نوجوانان را جلب کنند به همان اند می توانند در آنان نفوذ کنند و آنها را بیرونی از رفتار و معیارهایشان وادار سازند. همان گونه که اشاره شد نوجوانان به جلد دوستی و محبت همتایان بیش از هر چیز اهمیت می دهند و می گوشتند افراد گروه مورد علاقه شان آنان را بپذیرند. به این جهت غالباً مانند آنان آرایش می کنند، لباس می پوشند و رفتار می کنند و خلاصه آنه برایشان مهم است سازگاری و هماهنگی رفتار گروه دوستان است و جلب رضایت پدر و مادر گاهی در درجه دوم اهمیت است.

ادامه دارد



برای ازدواج و بچه دار شدن مثل مادرانشان با میل به داشتن شعل ترکیب شده و موقتاً به تعویق افتاده یا ترک شود.<sup>۲۶</sup>

بدین سان نقش مادر بسیار اساسی و مهم است، رفتار غیرمسئولانه، برخورد سطحی و غیراخلاقی آنها عقوبت آور است. مادران به ویژه در حضور دختران باید فادر باشند که اخلاق و نزاکت را رعایت کرده و به کنترل رفتار و احساسات بپردازند.

• پی نوشتها

۱- المنجد

۲- سفینه البحار، ماده خلق

۳- ترجمه المنجد، ج ۲، ص ۲۹۷

۴- همدان مأخذ، ص ۲۰۰

۵- راه نوح، ج ۲، ص ۲۸۸

۶- جوان، فلسفی، ج ۱، ص ۱۲

۷- فرهنگ معین

۸- همان مأخذ

۹- روان شناسی، شعاری، یاد، ص ۳۷۶

۱۰- اسلام شناسی (شهبه بنش و...)، ص ۱۵۲

۱۱- راه و رسم زندگی، ص ۱۳۹

۱۲- سوره آله عمران، آیه ۱۱۰

۱۳- سوره توبه، آیه ۱۲۲

۱۴- هنر تربیت، ص ۱۲

۱۵- انسان موجود ناشناخته، انکیس کاپل، ص ۹۹

۱۶- همدان مأخذ، ص ۱۳۹

۱۷- روان شناسی زنده، ص ۱۰۸

۱۸- اخلاق، اسماعیل، ص ۴۳۸

۱۹- جوان، فلسفی، ج ۲، ص ۷۳

۲۰- سفینه البحار، ماده خلق

۲۱- کودک، فلسفی، ج ۱، ص ۱۹۲

۲۲- بلوغ، مورس دابس، ص ۱۲۱

۲۳- ما و فرزندان، ص ۲۵۹

۲۴- روان شناسی، کورتکف، ص ۱۷

۲۵- روضه کافی، ص ۹۳

۲۶- خلاصه روان پزشکی، ص ۹۲

در تربیت اخلاقی آنها خانواده نقش مهم و اساسی دارد، بویژه در سنین دبستان و کودکی شیوه زندگی و رفتار اخلاقی والدین در کودک مؤثر است. از خانواده های خوب و ساخته شده دخترانی درست کار و عظیم پدید آمده اند که نسبت به زندگی بعدی خود احساسات عمیق و انسانی نشان داده اند. وحدت فکری والدین اصلی مهم در تربیت اخلاقی است و لیس والدین بدون صمیمیت و دوستی و عشق مشکل است بتوانند با اصول اخلاقی به تربیت کودکان بپردازند.<sup>۲۱</sup>

هم چنین تأثیر مساعد خانواده در تشکیل اعتقادات و شخصیت فرزندان و اخلاق آنها و ظهور اراده و استعداد خلاف خود از عوامل مهم است، صمیمیت و دوستی آنها می تواند آنها را بسازد و بر عکس عادات بد و نادرستی در کودک حکایت از ضعف تربیتی خانواده دارد.

در این راه به توصیه بیامیز در باره نوجوانان و جوانان توجه می کنیم که زمینه پذیرش خیر در آنان وجود دارد و خوبها را زودتر بپذیرفته و به صفات انسانی زودتر منصف می شوند. او فرمود: علیک

بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر.<sup>۲۵</sup>

## مادر و اخلاقی دختران

و بالاخره در امر تربیت اخلاقی دختران توقع رفتار مسئولانه از مادر بیشتر است. مادران باید نمونه شخصیت و اخلاقی باشند که از آن تسلیغ کرده و می خواهند فرزندان شان آنچنان بار آیند. زیرا غرور و افتخار دختر و نیز عمل او بر آن اساس است که در مادر می بیند.

دختر در سنین ۶-۱۲ بنا مادرش همانند سازی می کند و خود را در نقش زنی قرار می دهد که می خواهد شوهری داشته باشد. این همانند سازی ممکن است بر دختران چنان مؤثر واقع شود که اهداف آنها

ادب، مهربانی، خوش خدمتی، خنده بجا، سخن بموقع، قید در گفتار و رفتار و اداریم و گام اول ما در این امر شناساندن خوبها از بدبهاست. آگاهی از هوابط اخلاقی، آداب معاشرت و انس، شیوه برخورد صحیح، داوری درست و اندیشیده، عفت، تقوا، سلامت روان، ملکه کردن فضایل، تحمل فراز و نشیب، غم و شادی، ثروت و تنگدستی، برای او اصلی است. باید ارزشی را به او آموخت که شخصیت او را بالا می برد و کیفیت رشد و جوانی او را (بموی مثبت) تغییر می دهد.<sup>۲۲</sup>

۲ - در جنبه پیراستن و پرهیز: باید دختر را از عادات یافتن به آنچه که سبب انحراف و لغزش، تزلزل در ارکان حیات خانواده، نابسامانی گانوش، ردیلت رفتار و دنائت اندیشه است، بر حذر داشت. ریاکاری، بدبینی، خودپرستی، از بدترین مصاحبان دوران زندگی او بحساب می آیند و باید از میان برداشته شوند. خشونت، تندخویی، لجبازی، بی حوصلگی، برای دختران و زنان زشت و ناپسند بحساب می آیند و باید او را از آن صفات دور داشت. او باید دریابد که زیبایی واقعی زن در ملاحظت او نهفته است و این ملاحظت در هماهنگی خصایص ظاهر و باطن اوست، به شرطی که بر اساس هوابط فطرت و تأیید وجدان باشد.

## خانواده و تربیت اخلاقی

خانواده های بیدار از لحظه هشیاری و توان ارتباط متقابل او (حدود ۴ سالگی) باید به پرورش اخلاقی او از طریق کنترلها و مراقبت ها اقدام کنند. طبق بررسیها از همان ماههای نخست، پایه های اخلاقی کودک بی ریزی می شود و در یکسالگی پدر و مادر بر حسب روش تربیتی خود یا انسانی به وجود آورده اند که قابلیت و استعداد هر نوع نظم و انضباط را دارد و یا به هیچ وجه دارای این حسن نیست.<sup>۲۳</sup>

